

رابطه انگیزه‌های مدیریت سود افزاینده و نظام راهبری شرکتی با رفتار نامتقارن هزینه

حمیده اثنی‌عشری*، شبنم جوانمرد**

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۳۱

چکیده

در این پژوهش، رابطه انگیزه‌های مدیریت سود افزاینده، نظام راهبری شرکتی و اثر همزمان آنها با رفتار نامتقارن هزینه آزمون شد. به منظور سنجش رفتار نامتقارن هزینه، از رابطه بین لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی استفاده شد. نظام راهبری شرکتی نیز با استفاده از هفت متغیر اندازه هیات مدیره، درصد اعضای غیرموظف، درصد سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت، درصد سهامداران عمده، درصد سهامداران مدیریتی و نوع حسابرسان و یک شاخص تجمیعی سنجیده شد. دو شاخص نرخ بازده دارایی و نسبت تغییرات سود خالص به مجموع دارایی‌ها هم برای تعیین انگیزه‌های مدیریت سود به شکل افزایشی لحاظ شد. در این راستا داده‌های ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها (۸۴۰ شرکت - سال) آزمون شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل رگرسیون (حداقل مربعات تعمیم یافته) - روش داده‌های ترکیبی بکار گرفته شد. نتایج نشان داد هزینه به طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد؛ علاوه، هزینه در شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزاینده قرار دارند در مقایسه با دیگر شرکت‌ها با تاخیری یکساله به شیوه‌ای متقارن رفتار می‌کند. نظام راهبری شرکتی به طور میانگین رابطه معنی‌داری با رفتار هزینه ندارد؛ این نظام رفتار نامتقارن هزینه را در شرکت‌هایی که انگیزه مدیریت سود افزاینده دارند تقویت نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: رفتار نامتقارن هزینه، مدیریت سود افزاینده، نظام راهبری شرکتی.

طبقه‌بندی موضوعی: G32

کد DOI: JERA-1601-1118 (R2)

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، (hamidehasnaashari@gmail.com).

** کارشناس ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی پرندک، (mojafarinanearia@gmail.com).

مقدمه

گزارش‌های مالی متقلبانه در سال‌های گذشته نشان داد بستر قانونی و رویه‌های مستقر در شرکت‌ها نمی‌توانند با مدیریت مناسب تضاد منافع مدیران، مانع از تقلباتی شوند که از سوی آنها واقع می‌شود. چنین موضوعی سبب شد نهادهای قانونگذار در صدد اصلاح مقررات حاکم در حوزه راهبری شرکتی برآیند که تصویب قانون ساربنز آکسلی (۲۰۰۲)، تعیین الزامات جدید راهبری شرکتی برای پذیرش شرکت‌ها در بازار اوراق بهادار نیویورک، افزایش ضریب نفوذ سیستم‌های رتبه‌بندی راهبری شرکتی و تغییرات مشهود در اظهارنظرهای قضایی از جمله مهمترین آنها بود (کلارک، ۲۰۰۵). عمده تغییرات بر سه حوزه حسابرسی، ساختار هیات مدیره و افشاء متمرکز بود. چنین تغییراتی توجه نهادهای ذیربط در سایر کشورها را نیز به موضوع اهمیت راهبری شرکتی و تقویب آن برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران جلب کرد. تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در تاریخ ۹۱/۲/۱۶، منشور کمیته حسابرسی و منشور فعالیت حسابرسی داخلی در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۳، دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته در تاریخ ۹۰/۱۰/۳ و دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات در تاریخ ۸۶/۵/۳ در ایران نیز نمونه‌ای از اقدامات انجام شده در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار است. از جمله مباحثی که در سال‌های گذشته مورد توجه محققین قرار گرفته است تصمیمات مدیریت در خصوص هزینه‌هاست به گونه‌ای که بیان شده است این تصمیمات از الگویی متقارن پیروی نمی‌کنند و نسبت کاهش هزینه‌ها در دوره کاهش درآمد تناسبی با افزایش آنها در دوره افزایش درآمد ندارد. نظریه‌های مختلفی در توضیح این رفتار هزینه ارائه شده‌اند که مهمترین آنها نظریه نمایندگی و نظریه رفتار اقتصادی است. بر این اساس، رفتار نامتقارن هزینه را می‌توان به دو طریق تفسیر کرد؛ اول، آن نشانه‌ای از وجود مشکلات نمایندگی دانست که تلاش مدیریت را برای حفظ قدرت سازمانی خود نشان می‌دهد؛ در چنین شرایطی استقرار ساختار راهبری مناسب نقشی سازنده و مثبت را در کاهش رفتار نامتقارن هزینه بازی خواهد کرد؛ و یا دوم، آن را حاصل رفتار منطقی مدیریت برای اجتناب از هزینه‌های بازسازی ظرفیت در آینده پنداشت؛ که در این صورت رفتار نامتقارن هزینه انتخابی منطقی و کارآمد است که افزایش ثروت سرمایه‌گذاران را در پی خواهد داشت (چن و همکاران، ۲۰۱۴). اینکه تصمیمات مدیریت در تعیین سطح هزینه از کدامیک از این نظریه‌ها اثر پذیرد به شرایط

محیطی (از جمله قرارداد های پاداش، قرارداد های بدهی، پوششش انتظارات تحلیلگران) نیز وابسته است؛ گاه مدیریت در شرایطی قرار می‌گیرد که او را ترغیب می‌کند قضاوت‌ها و تصمیماتش را به شیوه‌ای اخذ کند که موجب مدیریت سود افزاینده شود؛ به این معنی که سود را بیش از آنچه واقع شده است گزارش نماید. در این صورت انتظار بر آن است مشاهده رفتار نامتقارن هزینه بیشتر از انگیزه‌های نمایندگی او اثر پذیرد تا آنکه حاصل رفتار منطقی‌اش در جهت پیشینه سازی ارزش شرکت باشد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵). برخی تحقیقات نشان داده‌اند شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزاینده قرار دارند هزینه‌های نامتقارن تری دارند (دایرینک و رندرز، ۲۰۱۲) که در توجیه آن می‌توان به نظریه حساب شویی اشاره کرد؛ گرچه تحقیقات دیگری در این حوزه بیان می‌کنند شرکت‌ها در شرایطی که نیازمند اجتناب از زیان یا کاهش سود هستند هزینه‌های خود را به میزان بیشتری کاهش می‌دهند (کاما و ویز، ۲۰۱۳) و در توجیه آن از نظریه نمایندگی بهره گرفته‌اند. آنچه زمینه‌ساز انجام این پژوهش شد کسب دانش نسبت به اثرگذاری انگیزه‌های مدیریت سود بر تصمیمات مدیریت در خصوص رفتار هزینه و نقش نظام راهبری شرکتی در کاهش مشکلات نمایندگی است. به این ترتیب، پژوهش حاضر به دنبال آن است دریابد چگونه انگیزه‌های مدیریت سود افزاینده بر رفتار نامتقارن هزینه اثر می‌گذارد؟ نظام راهبری شرکتی مستقر در شرکت چگونه می‌تواند تصمیمات مدیریت در خصوص رفتار هزینه را جهت دهد؟ اثرهمزمان فرصت مدیریت سود افزاینده با نظام راهبری شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه چگونه است؟

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش

به طور سنتی در مدل‌های تحلیل سود فرض بر آن بود هزینه‌ها در برابر محرک‌های هزینه رفتاری متقارن را از خود به نمایش می‌گذارند و وابسته به نوسانات تولید و فروش تغییر می‌کنند؛ اگرچه تحقیقاتی که در دهه ۹۰ انجام شد حاکی از آن بود نمی‌توان چندان به این فرض پایبند ماند. به دیگر سخن آنچه بر رفتار هزینه اثرگذار است تنها حجم تولید و مقدار فروش نیست. نورن و سادراستروم (۱۹۹۷) و کوپرز و کاپلان (۱۹۹۸)، نخستین محققانی بودند که رفتار نامتقارن هزینه را مورد مطالعه قرار دادند. به دنبال چنین مطالعاتی بود که اندرسون و همکارانش (۲۰۰۳)، دریافتند هزینه با افزایش فروش به طور میانگین تغییرات بیشتری را در مقایسه با کاهش

آن تجربه می‌کند (کوکتاکیس و همکاران، ۲۰۱۳). این نتایج محققان را با این سوال مواجه کرد که دلایل مشاهده چنین رفتاری چیست؟ در پاسخ به این سوال، دلایل مختلفی ارائه شده است که مهمترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

هزینه‌های تعدیل منابع: بر این اساس علت مشاهده رفتار نامتقارن، هزینه‌های ناشی از تعدیل منابع در دوره جاری است؛ به عبارتی از آنجایی که هزینه‌های حذف و تعدیل منابع در دوره جاری از هزینه‌های نگهداشت منابع به شکل بلااستفاده بیشتر است مدیر ترجیح می‌دهد آنها را حفظ کند (چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

انتظارات مدیر از فروش‌های آتی: هنگامی که مدیر نسبت به فروش‌های آتی خوش بین باشد آنگاه نیازمند منابع بیشتری برای ادامه فعالیت در آینده است؛ به همین سبب تمایل بیشتری به نگهداشت منابع به شکل بلااستفاده دارد؛ به گونه‌ای که کاهش منابع در دوره جاری موجب افزایش هزینه‌های تعدیل در دوره‌های آتی خواهد شد (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ یاسوکاتا و کاجیوارا، ۲۰۱۱).

روند تغییرات فروش در دوره‌های گذشته: روند فروش در دوره‌های گذشته به دو طریق بر رفتار نامتقارن هزینه اثرگذار است: اول، نگرش مدیریت نسبت به آینده را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ و دوم، میزان منابع موجود در دوره جاری را معین می‌کند؛ به این ترتیب که تغییرات مثبت فروش مدیریت را نسبت به آینده خوش بین می‌کند. چنین خوش بینی ضمن آنکه انتظارات مدیریت در مورد روند فعالیت دوره‌های آتی را مثبت می‌نماید انتظارات او در دوره‌های گذشته نسبت به دوره جاری را نیز شکل داده است و موجب گردیده است او منابعی بیشتر از حد بهینه را در دوره جاری نگهداری نماید (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴).

حفظ جایگاه و قدرت سازمانی: آنچه مدیریت را بر آن می‌دارد سطح منابع مورد استفاده را کاهش ندهد نگرانی منفعت طلبانه او از کاهش پاداش، کاهش فرصت‌های شغلی، از دست دادن کارکنان متخصص است؛ به این ترتیب، هرچه منابع آزاد در اختیار مدیریت بیشتر باشد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری پیش روی او قرار داشته باشد هزینه رفتار نامتقارن تری را به نمایش می‌گذارد (چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ کوکتاکیس و همکاران، ۲۰۱۳).

ابهام و تاخیر در تعدیل هزینه: آنچه موجب بروز رفتار نامتقارن می‌شود ابهام پیش‌روی مدیران در مورد آینده و نیاز آنها به کسب اطلاعات کافی است و همین موضوع کاهش سطح هزینه در زمان مناسب را به تعویق می‌اندازد.

شرایط اقتصادی: شرایطی از قبیل دوره‌های رونق و رکورد، تورم و رشد اقتصادی از جمله دلایل اثرگذار بر تصمیمات مدیریت در حوزه تعیین سطح هزینه می‌باشند (کالیجا و همکاران، ۲۰۰۶؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

ویژگی‌های شرکت: هرچه فعالیت‌های شرکت بیشتر به دارایی‌های ثابت وابسته باشد، سهم نیروی انسانی در تولید شرکت از اهمیت بالاتری برخوردار باشد و ساختار سرمایه شرکت به بدهی‌ها وابستگی بیشتری داشته باشد توان مدیریت در کاهش هزینه‌ها متناسب با روند نزولی درآمد پایین‌تر است (کالیجا و همکاران، ۲۰۰۶).

انگیزه‌های مدیریت سود: حساب‌شویی، دستیابی به سود هدف، پوشش پیش‌بینی تحلیل‌گران، اجتناب از نقض قراردادهای بدهی و مقررات تنبیهی از جمله عواملی هستند که می‌توانند مدیر را بر آن دارند اقدام به مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی نماید؛ به گونه‌ای که موجبات تشدید یا تضعیف رفتار نامتقارن هزینه را فراهم آورد (بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴؛ کاما و ویز، ۲۰۱۳).

در تشریح کارآمدی مشاهده رفتار متقارن هزینه دو نظریه ارائه شده است: ۱- نظریه رفتار اقتصادی، که از آن به نظریه تصمیمات آگاهانه نیز یاد می‌شود و رفتار نامتقارن هزینه را نتیجه تصمیم منطقی و سنجیده مدیر می‌داند؛ به این معنی که مدیران منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را به طور سنجیده تعدیل می‌کنند. آنها به منظور اجتناب از هزینه‌های تامین مجدد منابع و افزایش هزینه‌ها در بلندمدت ترجیح می‌دهند هزینه‌های بیشتری را برای نگاهداشت منابع بلااستفاده در کوتاه‌مدت متحمل شوند و بدین ترتیب ارزش شرکت را در بلندمدت افزایش دهند. توجه به برخی عوامل ذکر شده در بالا برای تصمیم‌گیری در خصوص هزینه نتیجه رفتار منطقی مدیر است (هوکو و همکاران، ۲۰۱۵؛ بنکر و بیزالو، ۲۰۱۴). ۲- نظریه نمایندگی، که رفتار نامتقارن هزینه را نتیجه رفتار فرصت طلبانه مدیریت می‌داند که از مشکلات نمایندگی ناشی می‌شود (هوکو و همکاران، ۲۰۱۵؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیچتکان، ۲۰۱۲). رابطه نمایندگی و مشکلات حاصل از آن در سال‌های گذشته توجهات

زیادی را به خود جلب نموده و زمینه‌ساز تقویت نظام راهبری شرکتی گردیده است؛ نظامی که با نظارت بر ارکان راهبر شرکت از منافع سرمایه‌گذاران حمایت می‌کند و افزایش ارزش شرکت را زمینه‌سازی می‌شود.

مروری بر پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که در رابطه با رفتار نامتقارن هزینه انجام شده‌اند را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد: حوزه اول، تحقیقاتی است که چگونگی رفتار هزینه را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در این ارتباط، بنکر و همکاران (۲۰۱۳)، نشان دادند هزینه در ۱۹ کشور از ۲۰ کشور مورد تحقیق آنها رفتاری نامتقارن را از خود به نمایش می‌گذارد. پورپوراتو و ورین (۲۰۱۰)، دریافتند بانک‌های برزیلی، آرژانتینی و کانادایی هزینه‌هایی نامتقارن دارند به گونه‌ای که با افزایش هزینه در مقایسه با کاهش آن رابطه قوی‌تری دارند. هی و همکاران (۲۰۱۰)، بیان کردند هزینه در شرکت‌های ژاپنی به شکلی نامتقارن رفتار می‌کند. چراغی (۱۳۹۳)، زنجیردار و همکاران (۱۳۹۳)، شییه و همکاران (۱۳۹۳)، نمازی و همکاران (۱۳۹۱) و نمازی و دوانی پور (۱۳۹۱) دریافتند هزینه‌های اداری و عمومی و بهای تمام شده کالای فروش رفته واکنش متفاوتی را در برابر تغییرات مثبت و منفی درآمد نشان می‌دهند. حوزه دوم، تحقیقاتی است که به بررسی دلایل رفتار نامتقارن هزینه پرداخته‌اند؛ در این خصوص، ژای و هانگ (۲۰۱۴)، دریافتند انگیزه مدیریت سود یکی از عوامل اثرگذار بر نامتقارن بودن هزینه است. وینریس و همکاران (۲۰۱۴)، دارایی‌های ثابت مشهود را عاملی دانستند که مانع از کاهش به‌هنگام سطح هزینه‌ها متناسب با درآمد می‌شود. بنکر و همکاران (۲۰۱۳) و بالاکریشن و گروسا (۲۰۰۸)، دریافتند هزینه‌های تعدیل بر وقوع هزینه‌ها به شیوه‌ای نامتقارن اثرگذار است. چن و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند نگرش مدیران با رفتار نامتقارن هزینه رابطه دارد. کاما و ویس (۲۰۱۳) و دایرینک و همکاران (۲۰۱۲)، نشان دادند انگیزه‌های مدیریت برای پوشش سود هدف، تصمیمات او در خصوص سطح هزینه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. چن و همکاران (۲۰۱۲) و چویی و لیجان (۲۰۱۱)، مشاهده رفتار چسبنده را ناشی از مشکلات نمایندگی و تلاش مدیریت برای حفظ جایگاه سازمانی خود دانستند. کو و همکاران (۲۰۱۱)، مدیریت سود را بر رفتار نامتقارن هزینه موثر یافتند. بابایی رج (۱۳۹۳) و ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند تغییرات فروش بر رفتار هزینه به شیوه‌ای نامتقارن اثر می‌گذارد. اختیاری (۱۳۹۳) و کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱)،

انتظارات مدیریت از فروش آتی را بر رفتار نامتقارن هزینه موثر نشان دادند. حوزه سوم هم بررسی اثر نظام راهبری شرکتی بر کاهش انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت در تعیین هزینه‌هاست؛ در این ارتباط، ژای و هانگ (۲۰۱۵) و ون و وانگ (۲۰۱۱) نشان دادند یک نظام راهبری مناسب می‌تواند رفتار نامتقارن هزینه را کاهش دهد. هانگ و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند یک نظام راهبری مناسب با افزایش اثرگذاری طرح‌های پاداش مدیریت هزینه‌های نامتقارن را کاهش می‌دهد. باقری (۱۳۹۴)، صفرزاده و بیگ‌پناه (۱۳۹۳) و علیمردی و احمدی (۱۳۹۲) راهبری شرکتی را عامل موثر بر کاهش رفتار متقارن هزینه نشان دادند.

بر مبنای آنچه بیان شد انتظار می‌رود هزینه‌ها به طور میانگین رفتاری نامتقارن داشته باشند و انگیزه‌های مدیریت سود بتوانند بر این عدم تقارن اثر بگذارند. ضمن آنکه انتظار بر آن است نظام راهبری شرکتی با کاهش انگیزه‌های مدیریت سود بتواند رفتار نامتقارن هزینه را به طور میانگین کاهش دهد. فرض زیربنایی چنین انتظاری آن است در بازار سرمایه به طور میانگین مدیران بدون توجه به وضعیت نظام‌های کنترلی رفتاری فرصت‌طلبانه دارند. از اینرو، تقویت بستر نظارتی موجبات کاهش تضادمنافع مدیران را در سطح بازار فراهم می‌آورد.

فرضیه‌های پژوهش

به منظور پاسخ به سوالات پژوهش و به پشتوانه مبانی نظری و ادبیات پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: مدیریت سود افزایشده با رفتار نامتقارن هزینه رابطه منفی و معنی داری دارد.

فرضیه دوم: راهبری شرکتی با رفتار نامتقارن هزینه رابطه منفی و معنی داری دارد.

فرضیه سوم: راهبری شرکتی، رفتار نامتقارن هزینه را در شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایشده دارند به طور معنی داری افزایش می‌دهد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر فلسفه از نوع اثباتی، از نظر منطق اجرا از نوع قیاسی، از نظر هدف از نوع توضیحی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از نظر زمان انجام از نوع طولی - گذشته‌نگر و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع آرشیوی است (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۱). متغیرهای مستقل

پژوهش، مدیریت سود افزاینده، اندازه هیات مدیره، درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره، درصد سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت، نوع حسابرسان، درصد مالکیت مدیران، درصد مالکیت سهامداران عمده و شاخص تجمیعی راهبری شرکتی و متغیر وابسته رفتار نامتقارن هزینه است. بعد از محاسبه آمارهای توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و رابطه‌ای، از تحلیل رگرسیون استفاده شد؛ به این ترتیب که پایایی متغیرها بررسی شد و سپس به منظور تعیین روش برآورد، آزمون چاو (F مقید) و در گام بعد آزمون هاسمن انجام شد. سپس نگاره ضرایب مدل رگرسیونی بکار گرفته شد تا معنی دار بودن ضرایب مدل (با بکارگیری P-Value محاسبه شده و سطح خطای موردنظر α) تعیین شود؛ در پایان، پیش فرض‌های مدل (آزمون مستقل بودن خطاها، ثابت بودن واریانس خطاها، نرمال بودن خطاها و هم خطی متغیرهای مستقل) بررسی شد تا بتوان نتایج رگرسیون را پذیرفت.

به منظور آزمون رفتار نامتقارن هزینه از مدل زیر استفاده شد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵؛ کو و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \sum \beta_j DUM_{i,t} * contrl_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در آن:

SGA_i = هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i (در سال t و $t-1$)؛

REV_i = درآمد عملیاتی شرکت i (در سال t و $t-1$)؛

DUM = متغیر موهومی است؛ اگر شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ با کاهش درآمد مواجه باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است؛

$contrl_{i,t}$ = متغیرهای کنترلی است؛ که شامل CAPR درصد سرمایه‌بری (حاصل تقسیم مجموع ارزش خالص دارایی‌های ثابت بر درآمد عملیاتی شرکت i در سال t) و TOBQ نرخ رشد (حاصل تقسیم ارزش بازار بر ارزش دفتری شرکت i در سال t) می‌باشد.

چنانچه ضریب β_2 منفی و معنی دار باشد هزینه به طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل (۲) استفاده شد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵؛ کو و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$+ \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_3 DUM_{i,t} * EAMG_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right]$$

$$+ \sum \beta_j DUM_{i,t} * contrl_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$EAMG_{i,t}$ = متغیری موهومی است و فرصت مدیریت سود افزایشده را نشان می‌دهد؛ چنانچه: ۱- نرخ بازده دارایی شرکت (حاصل تقسیم سود خالص بر میانگین مجموع دارایی‌ها) بین ۰ تا ۵٪ باشد و ۲- نسبت تغییرات سود خالص به جمع دارایی‌های شرکت در پایان دوره بین ۰ تا ۴٪ باشد، ۱ و در غیر این صورت صفر است.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۳) استفاده شد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵؛ کو و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] \quad \text{مدل (۳)}$$

$$+ \beta_3 DUM_{i,t} * Cor_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right]$$

$$+ \sum \beta_j DUM_{i,t} * contrl_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$Cor_{i,t}$: متغیر راهبری شرکتی است که شامل ۷ عنصر: اندازه هیات مدیره (تعداد اعضای هیات مدیره)، درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره (نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا)، درصد سهامداران نهادی (درصد سهام در اختیار مالکان نهادی مطابق بند ۲۷ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار)، تمرکز مالکیت (درصد سهام شناور آزاد)، نوع حسابرس (سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی معتمد بورس رتبه اول و مابقی صفر)، درصد مالکیت سهامداران عمده (درصد سهام در اختیار مالکان با مالکیت بیش از ۵٪) و درصد مالکیت مدیریتی (درصد سهام در اختیار اعضای هیات مدیره) می‌باشد؛ بعلاوه، به منظور سنجش اثر

تجمیعی عناصر فوق از شاخص تجمیعی راهبری شرکتی ($GoVar_{i,t}$) استفاده شد؛ که از حاصل جمع رتبه‌بندی بر حسب هر یک از عناصر راهبری شرکتی برای هر شرکت حاصل گردید (آقایی و حسنی، ۱۳۹۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۲؛ مجتهدزاده و اثنی عشری، ۱۳۹۱).

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل (۴) استفاده شد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵؛ کو و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\log \left[\frac{SGA_{i,t}}{SGA_{i,t-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_2 DUM_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \beta_3 DUM_{i,t} * DGoVar_{i,t} * EAMG_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \sum \beta_j DUM_{i,t} * contrl_{i,t} * \log \left[\frac{REV_{i,t}}{REV_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

که در آن:

$DGoVar_{i,t}$ = متغیر موهومی است؛ چنانچه حاصل جمع رتبه‌بندی بر حسب هر یک از عناصر راهبری شرکتی برای هر شرکت در هر سال بیش از میانه رتبه‌های سالانه باشد صفر و در غیراین صورت یک است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. نمونه آماری پژوهش نیز به روش غربالگری و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر تعیین شد:

- ۱- نام شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۸۴ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان سال مالی ۱۳۹۳ در فهرست باقی مانده باشد؛
 - ۲- دوره مالی آن منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛
 - ۳- طی دوره زمانی مورد بررسی، تغییر سال مالی یا فعالیت نداده، حذف نشده و یا توقف فعالیت نداشته باشد؛
 - ۴- در گروه شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری‌های مالی نباشد؛
- به این ترتیب تعداد ۸۴ شرکت (۸۴۰ شرکت-سال) بررسی شد.

مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی و داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، بانک جامع اطلاعاتی پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم افزار ره‌آورد نوین گردآوری شد.

روش آزمون فرضیات پژوهش

ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین آزمون شد؛ نتایج حاکی از آن بود اکثریت متغیرها در سطح پایا هستند. بنابراین، نیازی به انجام آزمون هم‌انباشتگی نبود و از سطح متغیرها استفاده شد. سپس، با توجه به نتایج آزمون‌های چاو، از روش داده‌های ترکیبی (Pooled) برای برآورد مدل‌ها استفاده شد. آزمون‌های تشخیصی کولموگروف-اسمیرنوف، دوربین-واتسون و عامل تورم واریانس (VIF) نشان دادند برآورد مدل‌های پژوهش موجب دستیابی به ضرایب خطی بدون تورش، سازگار می‌شوند. بعلاوه، به منظور کاهش اثرات مربوط به ناهمسانی واریانس جملات اخلال بر نتایج رگرسیون از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم‌یافته با وزن‌دهی به دوره‌ها استفاده شد. به منظور آزمون فرضیه اول، ضریب β_2 بررسی می‌شود؛ چنانچه ضریب مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. به منظور آزمون فرضیه دوم نیز ضریب β_3 بررسی می‌شود؛ چنانچه ضریب مثبت و معنی‌دار باشند فرضیه دوم تأیید می‌شود. به منظور آزمون سوم پژوهش نیز ضریب β_3 بررسی می‌شود؛ که منفی و معنی‌دار بودن آن موجب تأیید فرضیه سوم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرها به شرح نگاره ۱ می‌باشد. بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی نشان داد هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در مقایسه با درآمدهای عملیاتی به نسبت کمتری کاهش می‌یابد. به علاوه، متغیر تمرکز مالکیت به طور میانگین مقدار ۲۰٪ را اختیار کرده است که با حد آستانه معافیت مالیاتی مندرج در ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص سهام شناور تطابق دارد. در ضمن، آمارهای توصیفی نشان از مالکیت عمده مدیران شرکت دارد و به طور میانگین سهامداران نهادی، نیمی از مالکیت عمده را به خود اختصاص داده‌اند.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
لگاریتم نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش	۰/۰۷	۰/۰۶۹	۰/۷۲	-۰/۴۷	۰/۱۲
لگاریتم نسبت درآمدهای عملیاتی	۰/۰۶۷	۰/۰۷۱	۰/۶۲	-۲/۹۴	۰/۱۶
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	۰/۶۹	۰/۷۵	۱	۰	۰/۲۱
اندازه هیات مدیره	۵/۰۳	۵	۷	۵	۰/۲۱
درصد مالکیت سهامداران نهادی	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۹۹	۰	۰/۳۲
تمرکز مالکیت	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۷۵	۰	۰/۱۲
درصد مالکیت سهامداران عمده	۰/۷۴	۰/۷۸	۰/۹۹	۰/۱۵	۰/۱۷
درصد مالکیت مدیران	۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۹۹	۰/۱۰	۰/۲۰

نتایج آزمون فرضیه‌ها

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا وجود رفتار نامتقارن هزینه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون رفتار نامتقارن هزینه

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3
مقدار	۰/۳۹	۰/۴۰	-۰/۳۶	-۰/۰۲
آماره t	۵/۰۷	۶/۰۹	-۳/۹	-۳/۱
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
آماره F	۳۵/۸		آماره دوربین-واتسون	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰		t^2 تعدیل شده	
			۲/۲۵	
			۰/۱۱	

سطح معنی داری آماره F بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. از بین متغیرهای کنترلی، تنها متغیر درصد سرمایه‌بری (β_3) به دلیل رابطه معنی دار با متغیر وابسته در مدل لحاظ شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_2 منفی و معنی دار (در سطح ۱٪) است؛ به این معنی که هزینه به طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد. مدل (۱) با استفاده از وقفه رو به جلو متغیر وابسته نیز مجدداً آزمون شد که نتایج تأیید شد.

فرضیه اول:

برای آزمون این فرضیه از مدل (۲) استفاده شد. ضرایب مدل برآورد شده، نتایج آزمون معنی داری هر یک و کل مدل در نگاره (۳) ارائه شده است:

نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

β_4	β_3	β_2	β_1	β_0	ضریب
-۰/۰۱	-۰/۵۴	-۰/۳۶	۰/۴۰	۰/۰۳	مقدار
-۳/۲۲	-۲/۴۸	-۳/۹۷	۶/۱۰	۵/۶	آماره t
۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری
۲/۲۵	آماره دوربین-واتسون		۲۶/۹	آماره F	
۰/۱۱	T^2 تعدیل شده		۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

سطح معنی داری آماره F بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. از بین متغیرهای کنترلی، تنها متغیر درصد سرمایه‌بری (β_3) به دلیل رابطه معنی دار با متغیر وابسته در مدل لحاظ شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_3 منفی و معنی دار (در سطح ۱٪) است؛ به این معنی که هزینه در شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایش‌دهنده دارند در مقایسه با دیگر شرکت‌ها رفتار نامتقارن تری دارد. از آنجا که ممکن است هزینه امکان واکنش سریع به تغییرات درآمد را نداشته باشد، به منظور تحلیل‌های بیشتر، مدل (۲) مجدداً با استفاده از وقفه رو به جلو متغیر وابسته آزمون شد که نتایج آن به شرح نگاره (۴) است:

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه اول با استفاده از وقفه رو به جلو متغیر وابسته

β_4	β_3	β_2	β_1	β_0	ضریب
۰/۰۱	۶/۴۱	-۰/۱۶	۰/۱	۰/۰۵	مقدار
۳/۰۵	۲/۶۶	-۱/۸۰	۴۷/۲	۱۰/۰۲	آماره t
۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۰۰	سطح معنی داری
۲/۰۱	آماره دوربین-واتسون		۶/۱۹	آماره F	
۰/۰۲۶	T^2 تعدیل شده		۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

نتایج مندرج در نگاره بالا نشان می‌دهد ضریب β_3 مثبت و معنی دار (در سطح ۱٪) است؛ به این معنی که هزینه در شرکت‌هایی که مدیریت سود افزایش‌دهنده دارند در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، با تاخیری یکساله رفتاری متقارن از خود به نمایش می‌گذارد؛ به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش رد نشد.

فرضیه دوم:

برای آزمون این فرضیه از مدل (۳) استفاده شد. ضرایب مدل برآورد شده، نتایج آزمون معنی‌داری هر یک و کل مدل در نگاره (۵) ارایه شده است:

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم- شاخص تجمیعی راهبری شرکتی

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4
مقدار	۰/۰۵	۰/۲۱	-۰/۰۱۷	۰/۱۲	-۰/۰۱
آماره t	۵/۸۶	۳/۱۲	-۱/۶۸	۱/۴۳	۱/۴۲
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۱۰
آماره F	۲۸/۸۴		آماره دورین- واتسون		
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰		T^2 تعدیل شده		

سطح معنی‌داری آماره F بیانگر آن است که مدل توانسته تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. از بین متغیرهای کنترلی، تنها متغیر در صد سرمایه‌بری (β_3) به دلیل رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته در مدل لحاظ شد. مدل (۳)، به ازای هر متغیر راهبری شرکتی به صورت جداگانه نیز آزمون شد. نتایج برآورد نشان داد متغیرهای اندازه هیات مدیره و درصد اعضای غیرموظف رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار (در سطح ۱٪) و متغیرهای درصد مالکیت سهامداران نهادی (در سطح ۱٪) و نوع حسابرس (در سطح ۵٪) رابطه‌ای منفی و معنی‌دار با رفتار نامتقارن هزینه دارند و مابقی متغیرهای راهبری شرکتی رابطه‌ای با رفتار نامتقارن هزینه ندارند؛ به این معنی که اندازه و استقلال اعضای هیات مدیره موجب کاهش رفتار نامتقارن هزینه می‌شوند. در حالیکه نوع حسابرس و سهامداران نهادی رفتار نامتقارن هزینه را تقویت می‌کنند. ضریب β_3 در خصوص شاخص تجمیعی راهبری شرکتی هم نشان داد نظام راهبری شرکتی رابطه منفی با رفتار نامتقارن هزینه دارد که در سطح ۱۰٪ معنی‌دار است؛ به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش، به پشتوانه نتایج آزمون شاخص تجمیعی راهبری شرکتی، در سطح ۵٪ رد شد.

فرضیه سوم:

برای آزمون این فرضیه از مدل (۴) استفاده شد. از آنجا که مدل (۳) نشان داد شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزایشده قرار دارند با تاخیری یکساله به کاهش درآمد واکنش نشان می‌دهند. بنابراین مدل (۴) با استفاده از وقفه رو به جلو متغیر هزینه‌های اداری، عمومی و

فروش برآورد شد. ضرایب مدل برآورد شده، نتایج آزمون معنی‌داری هر یک و کل مدل در نگاره (۶) ارائه شده است:

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه سوم با استفاده از وقفه رو به جلو متغیر وابسته

β_4	β_3	β_2	β_1	β_0	ضریب
۰/۰۱	۷/۵۷	-۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۰۵	مقدار
۲/۰۶	۲/۲۲	-۱/۶۰	۲/۹۲	۱۰/۹۳	آماره t
۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۲/۰۲	آماره دورین-واتسون		۴/۳۸	آماره F	
۰/۰۲	T^2 تعدیل شده		۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری	

سطح معنی‌داری آماره F بیانگر آن است مدل توانسته تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. از بین متغیرهای کنترلی، تنها متغیر درصد سرمایه‌بری (β_3) به دلیل رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته در مدل لحاظ شد. نتایج برآورد نشان داد ضریب β_3 مثبت و معنی‌دار (در سطح ۱٪) است. از اینرو، استقرار نظام راهبری شرکتی مناسب در شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزایش‌دهنده قرار دارند رفتار متقارن هزینه که از انگیزه‌های مدیریت ناشی شده است را کاهش نمی‌دهد. به این ترتیب، فرضیه سوم پژوهش رد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تفکیک مالکیت از مدیریت، مفهومی است که در مرکز موضوع سهم‌خواهی ذی‌نفعان مختلف از منفعت و تضاد احتمالی آن قرار گرفته است. چنین موضوعی زمینه‌ساز مشکلات نمایندگی است به این معنی که مدیر از اختیارات خود در راستای انجام اقدامات فاقد ارزش افزوده و ناکارآمد بهره می‌گیرد؛ مشکلی که شناخت آن به سده ۱۸ و کار ثروت ملل آدم اسمیت بازمی‌گردد و وجودش هزینه‌های نمایندگی را به شرکت تحمیل می‌کند. شکست‌های شرکتی در اوایل سده ۲۱ نشان داد شرکت‌ها در گزارشگری مالی انگیزه‌های منفعت‌طلبانه خود را بر ارائه صادقانه غالب می‌کنند، به آرایش سود می‌پردازند و آن را به طریقه‌ای منفی مدیریت می‌نمایند. پیشینه‌سازی یکی از انواع مدیریت سود است که در آن مدیران با هدف تصویرسازی عملکردی بهتر، هزینه‌های کمتری را در دوره جاری شناسایی می‌کنند. یکی از دلایلی که مدیران را به انجام چنین عملی ترغیب می‌کند انگیزه‌های قراردادی است؛ هر چه شرکت از نظر اقتصادی شرایط نامساعدتری را تجربه کند مدیر به احتمال بیشتری ممکن است

به بیشینه سازی سود اقدام کند (اسکات، ۲۰۱۴). در سال‌های اخیر یکی از موضوعاتی که نظر محققان را به خود جلب کرد است رابطه غیرخطی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش با درآمدهای عملیاتی شرکت بوده است؛ به این معنی که هزینه در شرایط کاهش درآمد در مقایسه با افزایش آن، به شیوه‌ای مشابه رفتار نمی‌کند. وقوع چنین پدیده‌ای، فارغ از دلایلش، از دو منظر نظریه رفتار اقتصادی و نظریه نمایندگی توجیه شده است؛ آنچه به کاهش مشکلات نمایندگی کمک می‌کند و جذب سرمایه، تصمیمات کارا و ارزش آفرینی پایدار را سبب می‌شود استقرار رویه‌ها، قوانین و فرایندهایی است که به هدایت و کنترل عملیات شرکت بپردازد که از آن تحت عنوان راهبری شرکتی یاد می‌شود. یک نظام راهبری مناسب می‌تواند با افزایش شفافیت گزارشگری مالی، بهبود استقلال مدیران و حساب‌رسان مستقل به عنوان بازوهای نظارتی و تدوین برنامه‌های عملیاتی منسجم از منافع ذینفعان به شیوه‌ای مناسب حمایت کند (بیان و بیواز، ۲۰۰۸). به این ترتیب انتظار بر آن است استقرار نظام راهبری مناسب، رفتار نامتقارن هزینه را در شرایطی که مدیران انگیزه‌های رفتار منفعت‌طلبانه دارند کاهش دهد؛ بر این اساس، هر چه مدیر انگیزه‌های بیشتری برای مدیریت سود به طریقه‌ای منفی داشته باشد انتظار می‌رود دامنه این اثرگذاری گسترده تر باشد.

در این مقاله رفتار هزینه در شرایطی که مدیریت انگیزه‌های مدیریت سود افزاینده را داراست بررسی و اثر نظام راهبری شرکتی بر این رفتار آزمون شد. هدف پاسخگویی به این سوالات بود که آیا انگیزه‌های مدیریت سود افزاینده بر تصمیمات مدیر در تعیین سطح هزینه موثر است؟ آیا نظام راهبری شرکتی مستقر در شرکت‌ها بر رفتار نامتقارن هزینه اثرگذار است؟ و آیا نظام راهبری شرکتی در شرایطی که مدیر فرصت مدیریت سود افزاینده را داراست با رفتار نامتقارن هزینه رابطه ای دارد؟ به این منظور رابطه مدیریت سود افزاینده، نظام راهبری شرکتی و اثر همزمان آنها با رفتار نامتقارن هزینه در بازه زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ در نمونه‌ای انتخابی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد هزینه به طور میانگین رفتاری نامتقارن دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات بنکر و همکاران (۲۰۱۳)، پروپوراتو و وربین (۲۰۱۰)، هی و همکاران (۲۰۱۰)، چراغی (۱۳۹۳)، زنجیردار و همکاران (۱۳۹۳)، شیه و همکاران (۱۳۹۳)، نمازی و همکاران (۱۳۹۱) و نمازی و دوانی‌پور (۱۳۹۱) تطابق دارد. بعلاوه، شرکت‌ها هنگامی که در شرایط مدیریت سود افزاینده قرار می‌گیرند با تاخیری یکساله به تغییرات کاهش‌ی درآمد واکنش نشان می‌دهند و هزینه‌ها را

در راستای افزایش سود کاهش می‌دهند. به این ترتیب، هزینه‌ها به طور میانگین در شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزایشده قرار دارند در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، رفتاری متقارن دارند. چنین نتیجه‌ای با مدیریت سود به انگیزه‌های قراردادی سازگار است و تاخیر یک ساله در کاهش هزینه نشانگر آن است امکان واکنش سریع به تغییرات درآمد به علت هزینه تعدیل منابع وجود ندارد. پژوهش‌های ژای و همکاران (۲۰۱۴)، وینریس و همکاران (۲۰۱۴)، بنکر و همکاران (۲۰۱۳)، چن و همکاران (۲۰۱۲)، چویی و لیجان (۲۰۱۱)، کو و همکاران (۲۰۱۱) و بالا کریشتان و گروسا (۲۰۰۸) به نتایج مشابهی دست یافتند؛ این در حالیست که نتایج پژوهش‌های کاما و ویس (۲۰۱۳) و دایرینک و همکاران (۲۰۱۲) در تقابل با پژوهش حاضر قرار دارد؛ که ممکن است عوامل دیگری چون فرهنگ، بسترقانونی، انگیزه‌های پاداشی، شرایط اقتصادی موجب تصمیم‌گیری متفاوت مدیران شده باشند. در این پژوهش نشان داده شد دو رکن اندازه هیات مدیره و درصد اعضای غیرموظف می‌توانند به تقارن بیشتر رفتار هزینه کمک نمایند در حالیکه دو عنصر نوع حسابرس و درصد سهامداران نهادی رفتار نامتقارن هزینه را تقویت می‌کنند. در تفسیر چنین نتایجی می‌توان بیان داشت هیات مدیره و استقلال آن نقش مهمی در نظام راهبری شرکتی بر عهده دارد؛ ضمن آنکه به نظر می‌رسد حسابرسان بیش از آنکه به زمان شناسایی هزینه حساس باشند به سنت احتیاط در شناسایی هزینه وفادار باقی می‌مانند. از آنجایی که سهامداران نهادی عموماً در طبقه سهامداران عمده و گاه مدیریتی قرار می‌گیرند بنابراین اثر مثبتی را بر کاهش رفتار نامتقارن هزینه موجب نشده‌اند. در یک نگاه جامع می‌توان بیان داشت نظام راهبری شرکتی نتوانسته است رفتار فرصت طلبانه مدیر را در مدیریت هزینه به شیوه نامتقارن کاهش دهد. این مفهوم در شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزایشده قرار دارند و ترجیح می‌دهند به دنبال کاهش درآمد با انگیزه کسب سود بیشتر (انگیزه‌های قراردادی) از هزینه‌هایشان بکاهد این معنی را می‌دهد که نظام راهبری شرکتی نمی‌تواند رفتار متقارن هزینه را کاهش دهد؛ به بیان دیگر، نظام راهبری شرکتی در شرکت‌هایی که در شرایط مدیریت سود افزایشده قرار دارند و انگیزه افزایش سود را دارند نمی‌تواند نقش کنترلی مناسبی را ایفا نماید. این نتیجه با نتایج تحقیقات هانگ و همکاران (۲۰۱۵)، ون و وانگ (۲۰۱۱)، باقری (۱۳۹۴)، صفرزاده و بیگ پناه (۱۳۹۳) و علیمرداری و احمدی (۱۳۹۲) تطابق ندارد؛ در این خصوص ممکن است شیوه محاسبه شاخص تجمیعی راهبری شرکتی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری قوام راهبری شرکتی یکی از دلایل

چنین نتایجی باشد. از اینرو پیشنهاد می‌شود محققین با بکارگیری شاخص‌های متفاوت سنجش نظام راهبری شرکتی به عنوان یک کل، نقش معیار اندازه‌گیری را بر نتایج آزمون اثر راهبری شرکتی بر رفتار نامتقارن هزینه بررسی نمایند. بعلاوه، همانگونه که در تفسیر نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول پژوهش ذکر شد عواملی چون تغییر بستر قانونی و شرایط اقتصادی می‌توانند رفتار هزینه را تحت تاثیر قرار دهند که شایسته است محققین با بررسی این عوامل، گستره دانش در خصوص رفتار هزینه و عوامل موثر بر آن را توسعه دهند. آنچه در این پژوهش حاصل شد آنکه ساختار هیات مدیره یکی از ارکان مهم در نظام راهبری شرکتی است؛ به گونه‌ای که دقت نظر در اندازه و شیوه چینش آن می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت‌دهی تصمیمات مدیریت و حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران داشته باشد. بدین سبب پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار در تعیین آستانه‌های مرتبط با استقلال استخدامی و مالکیتی، نوع تخصص و تجربه در صنعت دقت نظر بیشتری داشته باشد تا موجبات تقویت بیشتر نظام راهبری شرکتی فراهم آید. ضمن آنکه نظارت بر ساختار مالکیت شرکت‌ها نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به آنکه در حال حاضر، پایگاه اطلاعاتی جامعی برای آگاهی سرمایه‌گذاران از ساختار مالکیت شرکت‌ها وجود ندارد پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و یا شرکت‌های فعال در حوزه سیستم‌های اطلاعاتی اقدام لازم را در خصوص طراحی سیستم اطلاع‌رسانی مناسب بعمل آورند. گرچه احتیاط از جمله ویژگی‌هایی است که در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی ایران به عنوان عاملی معرفی شده است که به ارائه گزارش قابل اتکا کمک می‌کند اما پیشنهاد می‌شود حساب‌برسان، تردید حرفه‌ای بیشتری را در اعمال آن با توجه به انگیزه‌های مدیریت از منظر انگیزه‌های قراردادی به کار بندند.

منابع

- اختیاری، عرفان. (۱۳۹۳). رابطه چسبندگی هزینه با تصمیمات مستقیم مدیران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ایزدی نیا، ناصر، سلطانی، علیرضا، فخارمنش، محمدرضا. (۱۳۹۳). تاثیر تغییرات فروش دوره‌های قبل بر رفتار نامتقارن هزینه، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۲.
- آقایی، محمدعلی، حسنی، حسن. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران و متغیرهای حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۴.

- بابایی رج، آیدا. (۱۳۹۳). تاثیر بینش مدیریت و تغییرات فروش بر رفتار نامتقارن هزینه ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی کار.
- باقری، شبنم. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی واداری با حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- چراغی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). بررسی ساختار و رفتار چسبندگی هزینه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- زنجیردار، مجید، غفاری آشتیانی، پیمان، مداحی، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل موثر بر چسبندگی هزینه، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰.
- شیشه، سکینه، فتحی، زهرا، سپاسی، سحر. (۱۳۹۳). آزمون چسبندگی هزینه: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۳، شماره ۴.
- صفرزاده، محمدحسین، بیگ پناه، بهزاد. (۱۳۹۳). تاثیر چسبندگی هزینه بر برآورد محافظه کاری شرطی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۴، شماره ۲.
- علیمراد، محمد، احمدی، سعیدعلی. (۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی و رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- کردستانی، غلامرضا و سید مرتضی مرتضوی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر تصمیمات سنجیده مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۷.
- مجتهدزاده، ویدا، اثنی عشری، حمیده. (۱۳۹۱). رابطه خصوصی سازی، ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی در بنگاه‌های سابقاً دولتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۱.
- نمازی، محمد و دوانیپور، ایرج. (۱۳۸۹). بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه ها در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۲.
- نمازی، محمد، غفاری، محمد جواد و فریدونی، مرضیه. (۱۳۹۱). تحلیل بنیادی رفتار چسبندگی هزینه‌ها و بهای تمام شده بر دامنه ی تغییرات در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، دوره چهارم، شماره دوم.

Aghaei, M. A, and Hassani, H. (2015). Study of the Effect of Managers' Personal Incentives and Corporate Governance Variables on Costs Stickiness in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Accounting Research*, 6 (4) (in Persian).

- Alimoradi, M, and Aliahmadi, S. (2014). Corporate Governance and The GAandS Asymmetric Behavior in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial accounting*, 5 (19) (in Persian).
- Anderson, M. , andBanker, R. andJanakiraman, S. (2003). Are Selling, General, and Administrative Costs'Sticky'? *Journal of Accounting Research*, 41 (1).
- Babaeiraj, A. (2015). The Effect of Management Perception and Sale's Changes on Cost Asymmetric Behavior, MA thesis, Kar University (in Persian).
- Bagheri, S. (2016). The Relationship Between GSandA expenses and Corporate Governance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, MA Thesis, Islamic Azad University (in Persian).
- Balakrishnan, R. , andGruca, T. S. (2008). Cost stickiness and core competency: *contemporary accounting research*, 25 (4).
- Banker,R, and Byzalov,D. (2014). Asymmetric cost behaviour, available at [www. ssrn. com](http://www.ssrn.com).
- Bhuiyan, M, and Biswas,P. (2008). Agency problem and the role of corporate governance , available at [www. ssrn. com](http://www.ssrn.com).
- Calleja, K, and Steliaros, M. and Thomas, D. (2006). A Note on Cost Stickiness: Some International Comparisons. *Management Accounting Research*, Vol. 17.
- Chen, C. and Lu, H. andSougiannis, T. (2012). The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs. *Contemporary Accounting Research*, 29 (1).
- Chen. S, and Xu. s, andWu, D. (2014). Corporate governance and the Asymmetric behavior of selling, general and administrative costs: the evidence from state antitakeover laws, available at: [www. ssrn. com](http://www.ssrn.com).
- Cheraghi, A. (2015) , The investigation of Cost structure and Behavior in Companies Listed in Tehran Stock Exchange, MA Thesis, Chamran University (in Persian).
- Clark. R. (2005). corporate governance changes in the wake of the sarbanes-oxley act: a morality tale for policymakers too, working paper, Harvard law school.
- Dierynck, B. andLandsman. W, and Renders. A. (2012). Do Managerial Incentives Drive Cost Behavior? Evidence about the Role of the Zero Earnings Benchmark for Labor Cost Behavior in Private Belgian Firms, *The Accounting Review*, vol. 87.
- Ekhtiyari, E. (2015). The Relationship Between Cost Stickiness and Management Decision, MA Thesis, Islamic Azad University (in Persian).

- He, D; and Teruya, J; and Shimizu, T. (2010). Sticky Selling, General and administrative Cost Behavior and its changes in Japan, available at www.ssrn.com.
- Ho koo. j, and song. s, and Paik. t. (2015). Earnings management and cost stickiness, *Accounting science and technology letter*, Vol. 84.
- Hong,L, andYong-liang, Z, and Bao-hua, L. (2015). Executive Compensation Corporate Governance and Cost Stickiness in State-owned Enterprise, *Economic Survey* , Vol. 32 (2).
- Izadinia, N, andSoltani, A, andFakharmanesh, M. (2015). Effect of Prior Sales Changes on Asymmetric Cost Behavior, *Empirical Research in accounting*, 4 (2) (in Persian)
- Jordan. C, and Clark. S. (2011). Big Bath Earnings Management: the case of goodwill impairment under SFAS NO. 142, *Journal of applies Business research*, Vol20: 2.
- Kama, I. , and Weiss. D. (2013). Do earnings targets and managerial incentives affect sticky costs, *Journal of accounting research*, 51 (1).
- Kokotakis,V, and mantalis. G, and Garefalakis,A, and Zanidakis,N, and Galifianakis ,G. (2013). The Sticky Cost on Greek Food, Beverages and Tobacco Limited Companies, *International journal of economics and business administration*, Vol. 1, Issue2.
- Kordestani, Gh, andMortazavi, M. (2012) , The investigation of Management Decision on Cost stickiness, *Journal of Accounting and Auditing Review*, 19 (67) (in Persian)
- Mojtahedzadeh, V, andEsnaashari, H. (2012). The Relationship Between Privatization, Corporate Governance Mechanisms and Regulation Environment Modification with Agency Costs in Previously Public Enterprises, *Empirical Research in Accounting*, 2 (1) (in Persian).
- Namazi, M, andDavanipour, E. (2010). The Empirical investigation of Cost Stickiness Behavior in TSE, *Journal of Accounting and Auditing Review*, No. 62 (in Persian).
- Namazi, M, andGhafari, M, and Fereydooni, M. (2012). Fundamental Analysis of Cost and Expense Behavior on Volatility Range in TSE, *Journal of Advance in Accounting*, 63/3 (in Persian).
- Pichetkun, N. (2012). the Determinants of Sticky Cost Behavior on political costs, agency Costs and Corporate Governance perspective; a Dissertation in Business Administration; Rajamangala University.
- Porporato, M. , andWerbin. (2010). Active cost management in banks: Evidence of sticky costs in Argentina. Brazil and Canada, available at www.ssrn.com.
- Safarzadeh, M. H, andBeig Panah, B. (2015). The Role of Cost Stickiness in Estimating Conditional Conservatism, *Empirical Research in Accounting*, 4 (2) (in Persian).

- Scott, W. , (2014) , financial accounting theory, 7th Edition, PEARSON Inc.
- Sheibe, S, andFathi, Z, andSepasi, S. (2015). Empirical Investigation of Cost Stickiness in Tehran Stock Exchange, *Empirical Research in accounting*, 3 (4) (in Persian).
- Shouyi, W. andLijun, W. (2011). Managerial Self-Interest, Board Governance and Cost Stickiness. Working Paper, Accounting School, Dongbei University of Finance and Economics.
- Venieris,G, and Naoum , G; and vlismas, O. (2014). Organization Capital and Sticky Behavior of selling, General and Administrative expenses; available at [www. ssrn. com](http://www.ssrn.com).
- Xu,S,andHong,Y. (2015). Earnings management, corporate governance and expense stickiness, *china journal of accounting research*, article in press.
- Yasukata, K. , and Kajiwara, T. (2011). Are sticky costs the result of deliberate decision of Managers?, Available at [www. ssrn. com](http://www.ssrn.com)
- Zanjirdar, M, and ghafari ashtiyani, P, and Madahi, Z. (2015) , an Analysis of Factors Affect Cost Stickiness, *Management Accounting Journal*, 7 (20) (in Persian).